

سیستان در دوران اسلامی با اتکاء بر شواهد باستان‌شناسی

حمید حسنعلی‌پور

دانشجوی دکتری رشته باستان‌شناسی دانشگاه تهران

حسن کریمیان*

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

سیدرسول موسوی حاجی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

(از ص ۷۹ تا ۹۸)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۰۹/۲۱؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۰۹/۳۰

چکیده

به‌رغم وسعت چشمگیر سیستان و شرایط تمدن‌ساز دلتای هیرمند، اطلاعات اندکی از تمدن‌های کهن این سرزمین در دست است. اگرچه محوطه‌های غنی و کم‌نظیر شهر سوخته، دهانه‌گلامان و کوه خواجه هریک اطلاعات ارزشمندی از پیش‌از‌تاریخ و دوران تاریخی ایران را در اختیار می‌گذارند، تاکنون محوطه‌ای که بتوان از آن در مطالعات باستان‌شناسانه دوران اسلامی سیستان بهره گرفت، شناسایی و معرفی نشده است. به این دلیل، در پژوهش حاضر سعی شده است تا ضمن مطالعه توزیع فضایی و گاه‌نگاری محوطه‌های اسلامی دشت سیستان، شهرهای شاخص دوران اسلامی این دشت معرفی و اطلاعات ارزشمندی از توزیع مکانی محوطه‌های اسلامی این ناحیه حاصل شود و نیز ارتباطات فضایی و کنش و برهمکنش درون و برون‌منطقه‌ای آنها تحلیل گردد. بدین منظور، تمامی اطلاعات مربوط به شهرهای دوران اسلامی سیستان از لابه‌لای اسناد، منابع و متون تاریخی استخراج و با به‌کارگیری آنها در تفسیر داده‌ها و اطلاعات باستان‌شناختی (رهیافت تاریخی)، نسبت به بازشناسی و تعیین محل آنها اقدام گردیده است. همچنین با بهره‌گیری از تحلیل GIS محوطه‌های اسلامی، به بررسی تأثیر منابع زیست - محیطی در چیدمان این محوطه‌ها پرداخته شده است. نتایج مطالعات حاضر روشن ساخت که در دوران اسلامی به ترتیب شهرهای: «زرنگ» (زرنج)، «شهر سیستان»، «شهر نویستان»، «جلال‌آباد»، «کندرک»، «سه‌کوهه» و «شهر ناصری» به مرکزیت سیستان انتخاب شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: باستان‌شناسی جنوب شرق ایران، شهرهای اسلامی سیستان، استقرارهای اسلامی، هیرمند و هامون

* نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول مقاله: hkarimi@ut.ac.ir

مقدمه

با نگاهی اجمالی به وسعت و غنای فرهنگی شهر سوخته، تردیدی باقی نمی‌ماند که دشت سیستان ایران نیز از هزاره‌های قبل تاکنون جایگاه ویژه‌ی خویش را در شکل‌یابی و توسعه تمدن‌های بشری محفوظ داشته است. چه هنگامی که شهر سوخته را در دامان خود شکوفا نمود و چه زمانی که - در پانصد قبل از میلاد- شهر دهانه غلامان را به امپراتوری عظیم هخامنشی تقدیم داشت. روندی که با احداث کاخ - معبد کوه خواجه، در عصر اشکانیان، شهر زرنگ به روزگار ساسانیان و آنگاه شهرهای سیستان، حوضدار، کندرک و سه‌کوهه در دوران اسلامی استمرار یافته و ماندگار گشت.

اگرچه ارتباط استقرارگاه‌ها با آب امری اجتناب‌ناپذیر است، پیوستگی محوطه‌های تاریخی دشت سیستان با هیرمند تا بدان حد است که هرگونه تغییر در مسیر این رود می‌توانسته ادامه حیات تمدن‌ها را با تهدید قطعی مواجه سازد. سرزمینی که هیرمند در آن جریان دارد، از دوران پیش‌ازتاریخ تاکنون تمدن‌های ریز و درشتی را در خود پرورانده است که پژوهش حاضر بر محوطه‌های اسلامی آن تمرکز یافته است.

پرسش‌های پژوهش: پرسش‌های فراوانی در خصوص توزیع زمانی و مکانی محوطه‌های باستانی سیستان، چیدمان فضایی آنها در مقیاس‌های خرد و کلان، نحوه ارتباطات (درون و برون‌منطقه‌ای) فرهنگی آنها، دلایل شکل‌یابی و رشد و توسعه آنها قابلیت طرح می‌یابد که عمده‌ترین آنها در پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. توزیع مکانی محوطه‌های استقرار دشت سیستان از چه الگویی تبعیت نموده و چه عواملی در مکان‌یابی این فضاها زیستی ایفای نقش نموده‌اند؟

۲. چه عواملی در تنظیم اقتصاد معیشتی غالب سیستان در دوران اسلامی تأثیرگذار بوده و از کدام دوره می‌توان به دوره طلایی منطقه (دوره‌ای که منابع تاریخی به دلیل شکوفایی اقتصادی آن، از سیستان با عنوان «نبار غله آسیا» و «سبذ نان خراسان» یاد کرده‌اند) یاد کرد؟

۳. کدام یک از محوطه‌های باستانی سیستان را می‌توان محل واقعی شهرهای «زرنگ» (مرکز سیستان در اواخر ساسانی)، شهر «زالق» (در قرون اولیه اسلامی)، «شهر نویستان» (پایتخت سیستان در دوران تیموری) به حساب آورد و چه شهری مرکزیت سیستان در دوره صفویه را عهده‌دار بوده است؟

فرضیات تحقیق: مهم‌ترین فرضیات قابل طرح در پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. به نظر می‌رسد چیدمان فضایی محوطه‌های استقرار دشت سیستان، به دلیل پیشرفت‌های که در صنعت سدسازی و ایجاد کانال‌ها و نهادهای مصنوعی (به‌ویژه در قرون میانی اسلامی) حاصل آمده بود، از حالت طولی با محوریت هیرمند خارج گردیده و در سطحی وسیع با فاصله نسبی از رودخانه هیرمند و شعبات اصلی آن فرم یافته باشد.

۲. با توجه به رشد اقتصادی سیستان در سده‌های ۵ تا ۹ هجری قمری، به نظر می‌رسد که بیشترین داده‌های سطحی جمع‌آوری‌شده از محوطه‌های اسلامی دشت سیستان به قرون میانی (۵-۹ هجری) تعلق داشته باشد و این دوران همان زمانی است که منابع تاریخی از این ناحیه با عنوان «نبار غله آسیا» و «سبذنان خراسان» یاد کرده‌اند.

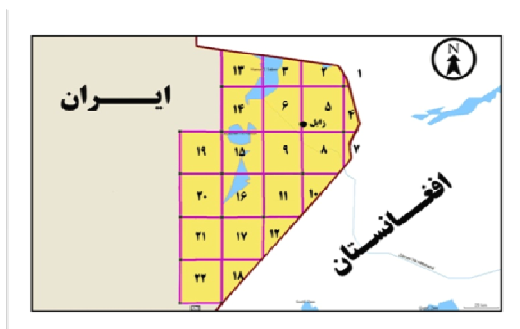
۳. با عنایت به اینکه بخش اعظمی از سیستان در افغانستان امروزه باقی‌مانده است، به نظر می‌رسد بقایای شهرهای اصلی این ولایت در ادوار تاریخی و اسلامی در آن سوی مرزهای جغرافیایی کشور قابل کشف باشند.

اهداف پژوهش: در این پژوهش تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از مدارک مکتوب و تاریخ‌گذاری داده‌های سطحی جمع‌آوری‌شده از عرصه محوطه‌های فرهنگی، نسبت به گاه‌نگاری محوطه‌های استقرار دشت سیستان اقدام گردد. به‌علاوه، تهیه نقشه‌ای از توزیع مکانی محوطه‌ها و تحلیل سازمان فضایی با بهره‌گیری از اطلاعات GPS از اهداف این پژوهش به‌شمار می‌آید. بررسی تأثیر اقلیم و منابع زیست‌محیطی در چیدمان محوطه‌های فرهنگی دوران اسلامی از دیگر اهدافی است که پژوهش حاضر سعی دارد تا به آنها دست یابد.

روش پژوهش: از مجموع ۱۶۶۲ محوطه‌ای که در بررسی‌های باستان‌شناختی سیستان شناسایی شده‌اند^(۱)، ۵۶۵ محوطه به دوران اسلامی (از سده چهارم هجری قمری تا پایان دوره قاجار) تعلق دارند. بخش قابل توجهی از اطلاعات به شیوه اسنادی و به صورت تهیه فیش، عکس، طرح، جدول و نقشه از منابع تاریخی و پژوهش‌های صورت‌گرفته قبلی تأمین گردیده است. این اسناد در تحصیل آگاهی از اوضاع تاریخی و جغرافیایی سیستان در دوران اسلامی مفیدفایده بوده و امکان مقایسه اطلاعات به‌دست‌آمده با داده‌های باستانی به‌منظور شناسایی هویت واقعی محوطه‌ها را، فراهم آورده است.

شواهد فرهنگی گردآوری‌شده از محوطه‌های اسلامی بخش قابل توجهی از اطلاعات را به خود اختصاص می‌دهند. بخش عمده‌ای از این داده‌ها در قالب اسناد و گزارش‌های مطالعات سید رسول موسوی حاجی و رضا مهرآفرین در پژوهش‌کده باستان‌شناسی در دسترس می‌باشند. در بررسی روشمند باستان‌شناسی دشت سیستان، با استناد به تحقیقات سازمان جغرافیای ارتش، منطقه تحت بررسی به ۲۲ حوزه (هریک با ابعاد ۲۴×۲۷/۵ کیلومتر) تقسیم شد که در مجموع مساحتی برابر با ۶۶۴ کیلومتر مربع را شامل می‌گردد (جدول شماره ۱). آن چنان که در شکل شماره ۱ قابل رؤیت است، تعداد ۷ حوزه بین ایران و افغانستان مشترک بوده و از مساحت کمتری نسبت به سایر حوزه‌ها برخوردارند.

به‌منظور تحلیل داده‌ها، قرائن تاریخی و شواهد باستان‌شناختی با یکدیگر انطباق داده شده و با استفاده از روش کیفی و نیز بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری موسوم به رهیافت تاریخی و قوم‌باستان‌شناختی اقدام شده است.



شکل ۱: زیرحوزه‌های تحت بررسی در سیستان ایران (نگارندگان)

جدول ۱: حوزه‌های بیست و دوگانه سیستان

شماره حوزه	نام حوزه	مساحت حوزه بر حسب کیلومتر مربع	مجموع محوطه‌ها	تعداد محوطه‌های اسلامی
۱	محمودی	۱۶	-	-
۲	قرقری	۳۷۱	۵۷	۴۹
۳	شمال زابل	۴۶۴	۲	۱
۴	دوست محمد	۱۸۳	۹۰	۶۳

186	۲۱۴	۶۶۴	زابل (۱)	۵
21	۲۲	۶۶۴	زابل (۲)	۶
10	۲۶	۱۱۲	کهنک	۷
24	۵۶	۶۶۰	زهک	۸
27	۳۷	۶۶۴	محمدآباد	۹
-	۶	۲۷۱	سنارود	۱۰
65	۲۹۸	۶۶۲	قلعه رستم	۱۱
8	۲۸۰	۲۹۵	جنوب قلعه رستم	۱۲
-	-	۵۵۳	شرق دغال	۱۳
3	۳	۶۶۴	دشتک	۱۴
-	-	۶۶۴	دریاچه هامون	۱۵
8	۴۰	۶۶۴	جنوب دریاچه هامون	۱۶
97	۴۸۵	۶۶۴	گیردی	۱۷
9	۴۰	۳۳۱	شيله	۱۸
-	-	۶۶۴	غرب دریاچه هامون	۱۹
-	-	۶۶۴	مک سرخ	۲۰
-	-	۶۶۴	جوریکا	۲۱
1	4	۶۶۴	لواری آب	۲۲
572	۱۶۶۰	۱۱۲۲۲	جمع	

پیشینه پژوهش

آن‌گونه که از جدول شماره ۲ درک می‌شود، از سال ۱۹۱۵، که «اورل اشتین» محوطه اسلامی «زاهدان کهنه» واقع در بیست کیلومتری جنوب شرق شهر زابل را مورد بررسی قرار داد تا به امروز، دشت سیستان ۲۸ بار تحت مطالعات باستان‌شناسانه قرار گرفته است. این جدول همچنین مشخص می‌کند که بیشترین این مطالعات به محوطه‌های پیش‌تاریخ و اسلامی معطوف گشته و تنها در سنوات اخیر شماری محوطه اسلامی آن هم با انگیزه آموزش دانشجویان- مطالعه شده است. همزمان با انجام پژوهش‌های باستان‌شناسانه در دشت سیستان، در سیستان افغانستان نیز مطالعاتی عموماً توسط همان باستان‌شناسانی که در سیستان ایران کاوش داشته‌اند، به انجام رسیده است. بدون شک نتایج این مطالعات نیز در تحلیل توزیع مکانی و گاهنگاری محوطه‌های باستانی سیستان ایران مفیدفایده خواهد بود.

جدول ۲: پژوهش‌های باستان‌شناسانه دشت سیستان

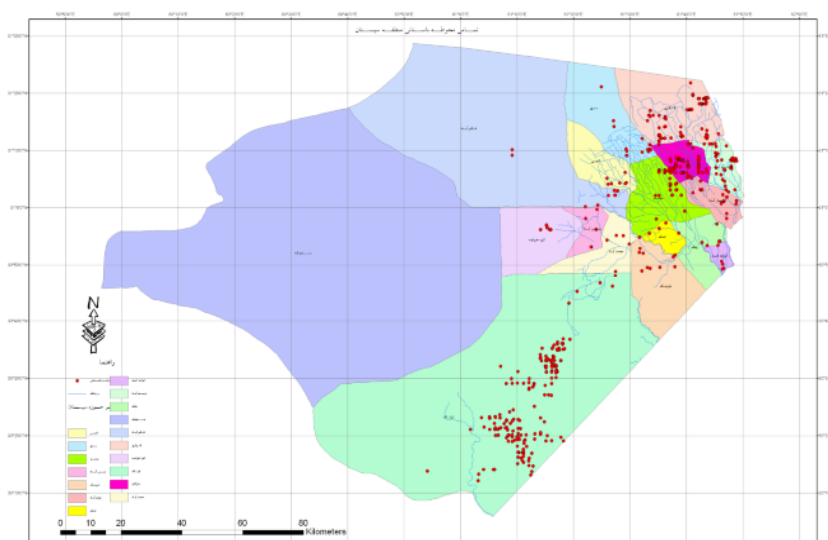
تاریخ	ملاحظات	نوع فعالیت	سرپرست یا سرپرستان هیئت
۱۹۱۵م	اورل اشتین	بررسی سطحی محوطه اسلامی زاهدان کهنه	اشتین معتقد است این محل پایتخت سیستان بوده که در سال ۱۲۸۳ میلادی به دست امیر تیمور گورکانی تخریب و ویران گردید ((Stein, 1981: 933 - 934)).
۱۹۲۵م	ا. هرتسفلد	بازدید از کوه خواجه و تهیه گزارشی مقدماتی از آن	
۱۹۲۹م	ا. هرتسفلد	مساحی، نقشه‌برداری و حفاری در کوه خواجه - پاکسازی بخشی از نقاشی‌های دیواری کوه خواجه گردید و آن‌ها را با خود به برلین منتقل کرد	- چاپ کتابی با عنوان «سکستان» در سال ۱۹۳۲ - چاپ کتابی با عنوان «ایران در شرق باستان» در سال ۱۹۴۱ (Hertzfeld: 1932 & 1941).
۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱	والتر فیروزیس	مکان‌های تاریخی بسیاری را در سیستان شناسایی نموده و موقعیت آنها را در نقشه‌ای که به همین منظور تهیه کرده بود، به ثبت رساند.	- شناسایی محوطه اسلامی زاهدان کهنه - بررسی باستان‌شناختی دشت سیستان افغانستان
۱۹۵۹م	جوزپه توچی (G.Tucci)	بازدید مقدماتی از آثار تاریخی سیستان (Tucci: 1966)	در اجرای قرارداد فیما بین مؤسسه ایزمئو ایتالیا و اداره کل باستان‌شناسی ایران
۱۹۶۰م	امبرتو شرآتو	شناسایی محوطه‌های ناشناخته‌ای چون: دهانه غلامان (هخامنشی)، قلعه تپه (اشکانی) و قلعه سام (اشکانی، ساسانی) (شرآتو، ۱۳۴۲: ۶).	از مؤسسه ایزمئو ایتالیا

سیستان در دوران اسلامی با اتکاء بر شواهد باستان‌شناسی / ۸۳

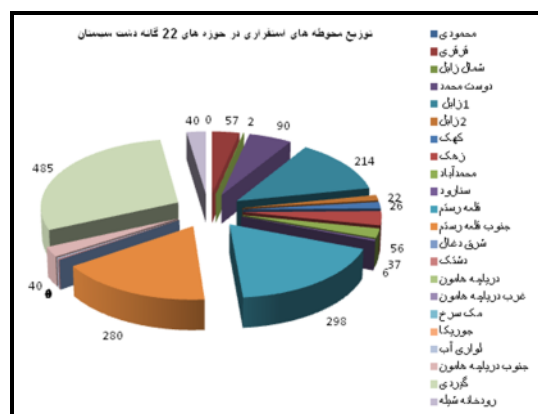
۱۹۶۱ م	جیورجیو گولینی (Giorgio Gullini)	حفر چند ترانسه آزمایشی کوه خواجه	انتشار کتابی با نام «کوه خواجه سیستان» (Gullini: 1964).
۱۹۶۱ م	امبرتو شرانو	کاوش در قلعه سام و قلعه تپه زابل	نتایج این مطالعات تاکنون منتشر نشده است (سید سجادی، ۱۳۷۹: ۱۷۸).
۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ م	امبرتو شرانو	- حفاری در دهانه غلامان	مقالات متعددی منتشر و مشخص ساخت که آنجا یک شهر مهم هخامنشی است. (Cerrato 1978:709-731).
۱۹۶۷ تا ۱۹۷۸ م	موریتزیو توزی (M. Tosi)	کاوش‌های باستان‌شناسانه در شهر سوخته در راستای همکاری متقابل مرکز باستان‌شناسی ایران و مؤسسه ایزمئو ایتالیا	نتایج مطالعات یازده ساله ایتالیایی‌ها در شهر سوخته در قالب ده‌ها مقاله و کتاب و به زبان‌های گوناگون و رایج دنیا چاپ و منتشر گردیده است (سیدسجادی، ۱۳۷۴: ۲۷۱).
۱۳۷۰ ش.	سید محمود موسوی	کاوش‌های سه‌ساله موسوی (۷۲ - ۱۳۷۰ ه. ش. - هر سال یک ماه) در کوه خواجه و محوطه اسلامی بی‌بی دوست.	نتایج این کار تنها در غالب یک مقاله با عنوان «پادمان خشتی کوه خواجه زابل» انتشار یافت (موسوی، ۱۳۷۴: ۹۸-۶۷).
۱۳۷۶ ش.	سیدمنصور سیدسجادی	بررسی‌های مقدماتی و گمانه‌زنی در شهر سوخته و کوه خواجه	
۱۳۷۹ تا ۱۳۷۶ ش.	سید منصور سیدسجادی	- کاوش در شهر سوخته - کاوش در محوطه دهانه غلامان	این کاوش‌ها تا سنوات اخیر استمرار یافته است
۱۳۸۲ ش.	سید منصور سجادی + حسینعلی کاوش + مهدی میری	تعیین حریم و لایه نگاری تپه طالب خان	این کاوش‌ها را که به منظور آموزش دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه زابل نیز صورت می‌گرفت می‌توان اولین کاوش در محوطه‌های اقماری شهر سوخته دانست
۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ ش.	کاوش + میری + حسینعلی پور + سید منصور سید سجادی	استمرار کاوش در محوطه‌های اقماری شهر سوخته	منظور آموزش دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه زابل
۱۳۸۱ ش.	سیدرسول موسوی- حاجی	مطالعه محوطه اسلامی زاهدان کهنه	در قالب رساله دکتری به اثبات رسانده است که زاهدان کهنه محل واقعی «شهر سیستان» یعنی دومین دارالحکومه سیستان در دوران اسلامی است (موسوی حاجی ۱۳۸۲). موسوی حاجی و بیانی، (۱۳۸۱).
۱۳۸۳ ش.	رضا مهرآفرین	مطالعات باستان‌شناسانه دشت سیستان	ارائه در قالب رساله دکتری با عنوان «بررسی و تحلیل باستان‌شناسی حوزه زهک سیستان» (مهرآفرین ۱۳۸۳). موسوی حاجی، مهرآفرین، جلد یک ۱۳۸۵: ۱۴۶-۱۴۸).
۱۳۸۵ ش.	رضا مهرآفرین	حفاری و گمانه‌زنی تپه گوری کهنه سیستان	تاریخ‌گذاری مطلق (اشکانی) این محوطه با اتکاء به سکه مکشوفه (مهرآفرین، ۱۳۸۶).
۱۳۸۶ ش.	سیدرسول موسوی- حاجی	گمانه‌زنی در سطح ریض زاهدان کهنه به منظور تعیین حریم این محوطه بزرگ اسلامی	چاپ در قالب یک جلد یک جلد کتاب (موسوی حاجی: ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸).
۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ ش.	سیدرسول موسوی- حاجی/رضا مهرآفرین	بررسی روشمند باستان‌شناختی سیستان در راستای تهیه نقشه باستان‌شناسی کشور	در نتیجه ۱۶۶۲ محوطه باستانی از ادوار پیش از تاریخ تا پایان دوره قاجار شناسایی گردید.
۱۳۸۷ ش.	مهدی مرتضوی	تعیین حریم و لایه‌نگاری «تپه دشت» (مرتضوی، ۱۳۸۸).	این تپه یکی دیگر از محوطه‌های اقماری شهر سوخته است
۱۳۸۸ ش.	کوروش محمدخانی	بررسی بخش‌هایی از محوطه دهانه غلامان به روش مغناطیس‌سنجی (محمدخانی ۱۳۸۸).	این مطالعات در فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸ به انجام رسید.
۱۳۸۸ ش.	سید سجادی	یازدهمین فصل حفاری در شهر سوخته کاوش در محوطه تپه طالب خان تعیین حریم و لایه‌نگاری تپه صادق سیستان	حفاری در تپه طالب خان مستقیماً بر عهده حسینعلی کاوش بود (کاوش، ۱۳۸۸).
۱۳۸۸ ش.	روح‌الله شیرازی	حفاری در تپه صادق سیستان	در این کاوش نحوه استقرار در دوران مفرغ سیستان مورد مطالعه قرار گرفت (شیرازی و توسلی: ۱۳۸۹).
۱۳۸۸ ش.	کوروش محمدخانی	تشکیل بانک اطلاعاتی کوه خواجه	(محمدخانی، مرداد و شهریور ۱۳۸۸).
۱۳۸۹ ش.	مهدی توسلی و معظم خسروجردی	دومین فصل حفاری و گمانه‌زنی در تپه صادق سیستان	(کاوش، الف ۱۳۹۰)
۱۳۸۹ ش.	حسینعلی کاوش	- اولین فصل حفاری و لایه‌نگاری در تپه یلدا - حفاری و گمانه‌زنی در محوطه گرازبانی سیستان	(کاوش، ب ۱۳۹۰)
۱۳۸۹ ش.	مهدی توسلی و معظم خسروجردی	استمرار حفاری‌های آموزشی دانشگاه‌های زابل و زاهدان در محوطه‌های تپه یلدا و تپه صادق	در راستای آموزش دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

توزیع مکانی محوطه‌های اسلامی

در بررسی‌های باستان‌شناسی دشت سیستان ایران، مجموعاً ۱۶۶۲ محوطه استقراری شناسایی شد. آن‌گونه که در شکل شماره ۲ ملاحظه می‌شود، توزیع مکانی محوطه‌های مکشوفه در مناطق مختلف بسیار متفاوت است و در تعدادی از حوزه‌های غرب سیستان (نظیر شرق دغال، غرب دریاچه هامون، مک سرخ و...) حتی یک محوطه استقراری نیز شناسایی نشده است. متقابلاً تراکم محوطه‌های استقراری در شماری دیگر از حوزه‌ها بسیار زیاد است، به‌گونه‌ای که تنها در «حوزه گیردی» قریب به یک‌سوم محوطه‌های استقراری (۴۸۵ محوطه) تمرکز یافته‌اند. شکل شماره ۳ نیز فراوانی محوطه‌های استقراری شناسایی‌شده در دشت سیستان و به‌ویژه تعداد و درصد محوطه‌های اسلامی در این دشت را نشان می‌دهد.



شکل ۲: توزیع مکانی محوطه‌های اسلامی شناسایی‌شده در دشت سیستان (نگارندگان)

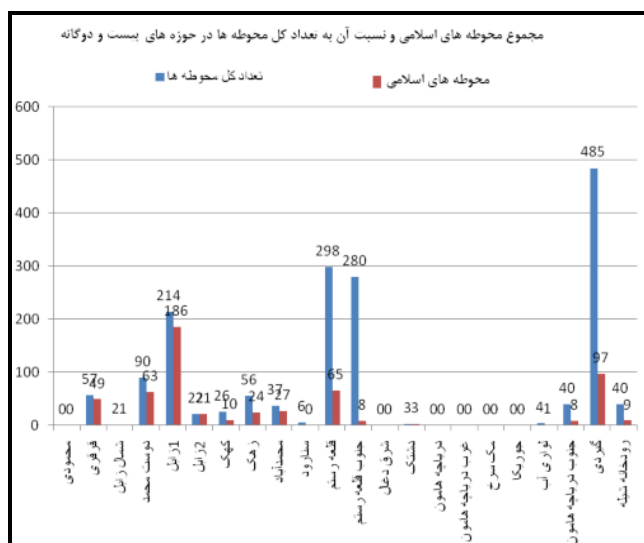


شکل ۳: توزیع محوطه‌های استقراری در حوزه‌های ۲۲ گانه سیستان (نگارندگان)

همان‌گونه که در جدول شماره ۳ و شکل شماره ۴ دیده می‌شود، محوطه‌های اسلامی در اکثر حوزه‌ها درصد قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند. لیکن این تعداد در حوزه‌های «قلعه رستم»، «جنوب قلعه رستم» و «گیردی» به میزان قابل توجهی کاهش یافته است.

جدول شماره ۳: تعداد و درصد محوطه‌های اسلامی دشت سیستان به نسبت تمام محوطه‌های شناسایی شده

ردیف	نام حوزه	مساحت حوزه به کیلومتر مربع	تعداد کل محوطه‌ها	مجموع محوطه‌های اسلامی	درصد محوطه‌های اسلامی
۱	محمودی	-	-	-	۱۶
۲	قرقری	۸۵/۹۶	۴۹	۵۷	۳۷۱
۳	شمال زابل	۵۰	۱	۲	۴۶۴
۴	دوست محمد	۷۰	۶۳	۹۰	۱۸۳
۵	زابل (۱)	۸۷	۱۸۶	۲۱۴	۶۶۴
۶	زابل (۲)	۹۵/۴۵	۲۱	۲۲	۶۶۴
۷	کهنک	۳۸/۴۵	۱۰	۲۶	۱۱۲
۸	زهک	۴۲/۸۵	۲۴	۵۶	۶۶۰
۹	محمدآباد	۷۲/۹۶	۲۷	۳۷	۶۶۴
۱۰	سنارود	-	-	۶	۲۷۱
۱۱	قلعه رستم	۲۱/۸۱	۶۵	۲۹۸	۶۶۲
۱۲	جنوب قلعه رستم	۲/۸۵	۸	۲۸۰	۲۹۵
۱۳	شرق دغال	-	-	-	۵۵۲
۱۴	دشتک	۱۰۰	۳	۳	۶۶۴
۱۵	دریاچه هامون	-	-	-	۶۶۴
۱۶	غرب دریاچه هامون	-	-	-	۶۶۴
۱۷	مک سرخ	-	-	-	۶۶۴
۱۸	جوریکا	-	-	-	۶۶۴
۱۹	لواری آب	۲۵	۱	۴	۶۶۴
۲۰	جنوب دریاچه هامون	۲۰	۸	۴۰	۶۶۴
۲۱	گیردی	۲۰	۹۷	۴۸۵	۶۶۴
۲۲	رودخانه شیشه	۲۲/۵	۹	۴۰	۳۳۱
	مجموع	۱۱۲۲۲	۱۶۶۰	۵۷۲	۳۴/۴۵



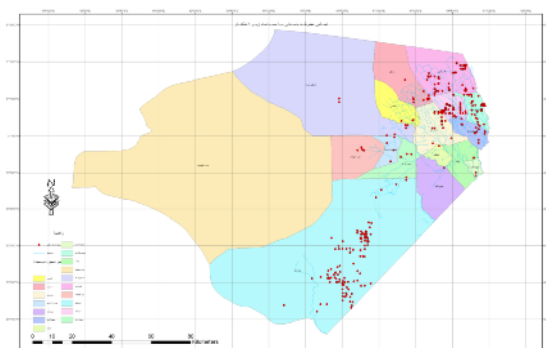
شکل ۴: نسبت محوطه‌های اسلامی به کل محوطه‌های مکشوفه در دشت سیستان (نگارندگان)

گاه‌نگاری محوطه‌های مکشوفه نیز روشن ساخت که استقرارهای اسلامی در تمامی سطح منطقه شمال و جنوب سیستان پراکنده‌اند. جالب آنکه، از مجموع ۵۶۵ محوطه اسلامی، قدمت ۲۹۲ محوطه (۶۵/۹۱ درصد) به قرون ۶، ۷ و ۸ بازمی‌گردد. به‌علاوه، از مجموع ۵۶۵ استقرارگاه اسلامی، ۴۵۸ محوطه (۸۱/۰۶ درصد) دارای مساحتی زیر ۱ هکتار بوده‌اند (شکل شماره ۴). همان‌گونه که در شکل شماره ۵ ملاحظه می‌شود، تعداد ۴۶ محوطه اسلامی (۸/۱۴) نیز دارای مساحتی بین ۱ تا ۲ هکتار می‌باشند. بیش از نیمی از این تعداد (۲۷)

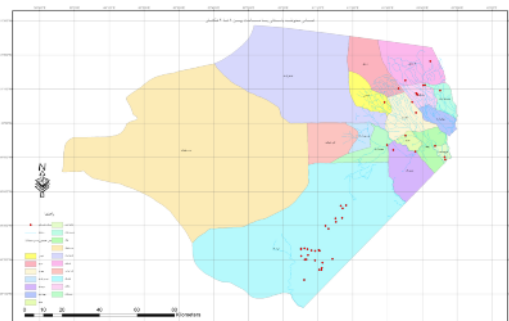
محوطه) در حوزه لوتک واقع شده‌اند که بر غنای نسبی این حوزه در دوران اسلامی گواهی می‌دهد. شکل شماره ۶ نیز پراکندگی محوطه‌های اسلامی را که مساحت آنها بین ۲ تا ۵ هکتار می‌باشد مشخص ساخته است که به ۳۱ عدد (۵/۴۸ کل محوطه‌ها) می‌رسد. با عنایت به این‌که تعداد ۲۴ محوطه از این تعداد هم در حوزه لوتک واقع شده‌اند، تردیدی نمی‌ماند که این حوزه در دوران اسلامی از اهمیت و کارکرد ویژه‌ای برخوردار بوده است. به‌علاوه تعداد استقرارهای اسلامی که مساحتی بین ۵ تا ۱۰ هکتار دارند ۱۸ محوطه (۳/۱۸ کل محوطه‌ها) می‌باشد که از این تعداد نیز ۱۱ محوطه در حوزه لوتک واقع شده است و این نیز بر اهمیت این حوزه در دوران اسلامی دلالت دارد (شکل شماره ۷).

شکل شماره ۸ نیز تعداد محوطه‌های اسلامی را که دارای مساحتی بین ۱۰ تا ۲۰ هکتار بوده است مشخص می‌کند. از تمام ۵۶۵ محوطه اسلامی شناسایی شده تنها ۶ استقرارگاه (معادل ۱/۰۶ کل محوطه‌ها) دارای این وسعت می‌باشند که همگی در بخش شمالی سیستان واقع شده‌اند. جالب آنکه، تعداد محوطه‌های دارای مساحتی بالغ بر ۲۰ هکتار نیز ۶ عدد (۱/۰۶ درصد) است و همان‌گونه که در شکل شماره ۹ مشخص شده نیمی از این تعداد (۳ محوطه) نیز در حوزه جغرافیایی لوتک واقع شده‌اند. بدین ترتیب تردیدی نمی‌ماند که حوزه جغرافیایی لوتک از شاخص‌ترین مناطق دوران اسلامی سیستان به‌شمار می‌رفته است.

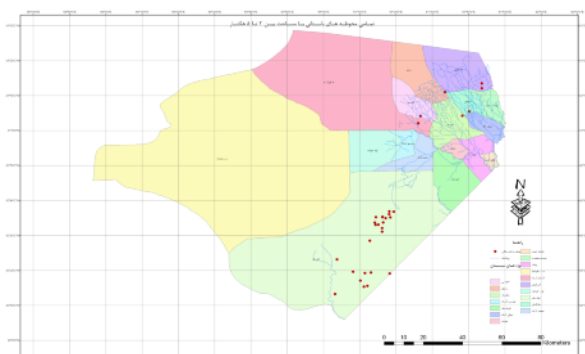
از آنجایی‌که رابطه مستقیمی بین وسعت محوطه‌ها و اهمیت آنها برقرار است، به احتمال بسیار زیاد می‌توان محوطه‌های با وسعت بالای ۲۰ هکتار را شهرهای دوران اسلامی سیستان دانست. بدین سبب باید پذیرفت که سیستان ایران در دوران اسلامی دست‌کم ۶ شهر فعال داشته که از این تعداد ۳ شهر در حوزه لوتک واقع شده بود.



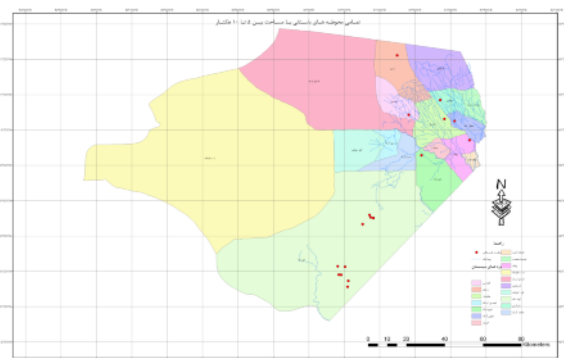
شکل ۵: موقعیت محوطه‌های اسلامی زیر ۱ هکتار در سطح منطقه سیستان (نگارندگان)



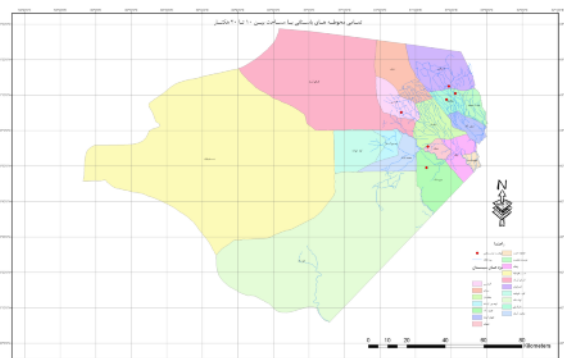
شکل ۶: موقعیت محوطه‌های اسلامی با مساحت بین ۱ تا ۲ هکتار (نگارندگان)



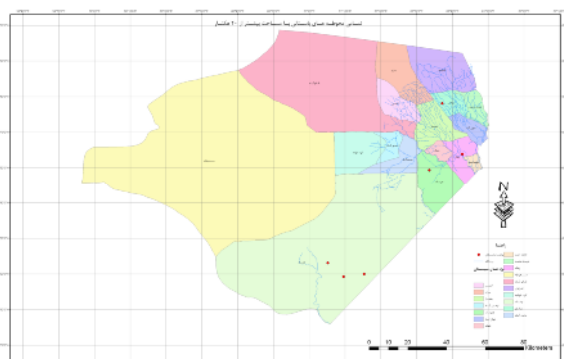
شکل ۷: موقعیت محوطه‌های اسلامی با مساحت بین ۲ تا ۵ هکتار (نگارندگان)



شکل ۸: موقعیت محوطه‌های اسلامی با مساحت بین ۵ تا ۱۰ هکتار (نگارندگان)



شکل ۹: موقعیت محوطه‌های اسلامی با مساحت بین ۱۰ تا ۲۰ هکتار (نگارندگان)



شکل شماره ۱۰: موقعیت محوطه‌های اسلامی با مساحت بیش از ۲۰ هکتار (نگارندگان)

تحلیل داده‌ها و سنجش فرضیات

۱. تحلیل شرایط محیطی در انطباق با داده‌های اسنادی

در بخش پیشین نسبت استقرارهای اسلامی دشت سیستان به کل محوطه‌های باستانی مکشوفه معین شد. اینک، با انطباق اطلاعات جمع‌آوری شده از مطالعات میدانی و داده‌های اسنادی می‌توان به این پرسش تحقیق که توزیع مکانی محوطه‌های استقرار دشت سیستان از چه الگویی تبعیت نموده و چه عواملی در مکان‌یابی این فضاها زیستی ایفای نقش نموده‌اند، پاسخ گفت.

با اتکاء بر الگوی به‌دست‌آمده از توزیع مکانی محوطه‌های استقرار، می‌توان تحولات اقلیمی و قابلیت‌های زیست - محیطی سیستان را از آغاز هزاره سوم قبل از میلاد (آغاز استقرار در شهر سوخته) تا پایان عصر قاجار، به شرح ذیل دسته‌بندی نمود:

الف) سیستان کویری: مشتمل بر حوزه‌های ۱۹ (حوزه غرب دریاچه هامون)، ۲۰ (حوزه مک سرخ)، ۲۱ (حوزه جوریکا)، و ۲۲ (حوزه لواری) که در تمام ادوار گذشته فاقد هرگونه محوطه استقرار بوده و کویر مطلق به‌شمار می‌رفتند. مساحت این چهار حوزه در مجموع ۲۶۵۶ کیلومتر مربع می‌باشد که نزدیک به یک‌چهارم مساحت کل سیستان را شامل می‌شود. بنابراین، با اتکاء به مطالعات باستان‌شناسانه، می‌توان به یقین گفت که یک‌چهارم سیستان ایران (منطقه غرب آن) در تمامی ادوار تاریخی کویر مطلق بوده و هیچ‌گاه دارای محوطه‌های استقرار نبوده است که بهترین توصیف برای معرفی آن «سیستان کویری» است (شکل شماره ۱۰). این همان مطلبی است که در هزار و یکصد سال پیش توسط جغرافیانگاران قرون اولیه اسلامی به هنگام معرفی دریاچه هامون درج گردیده است. جیهانی (۳۰۹ ه.ق) آورده است: «...درازای بحیره زره سی فرسنگ و پهنای آن یک منزل، گرداگرد آن دیه‌ها مگر یک سوی بیابان دارد» (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۶۳). اصطخری (۳۴۰ ه.ق) نیز به‌هنگام معرفی دریاچه هامون می‌نویسد: «... تمامت اطراف و حوالی این دریا به دیه‌ها معموراند، الا یک طرف که بیابان است» (اصطخری، ۱۳۷۳، ۲۵۶). مؤلف عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات نیز در سال ۵۵۵ هجری توصیفی مشابه از سیستان بیان می‌کند (احمدطوسی، ۱۳۸۷، ۲۳۰).

ب) پهنه آبی سیستان: نتایج مطالعات باستان‌شناسانه همچنین روشن ساخته که در حوزه‌های ۳، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ (به‌ترتیب: حوزه شمال زابل، حوزه شرق دغال، حوزه دشتک، حوزه دریاچه هامون، حوزه جنوب دریاچه هامون) نیز به‌دلیل قرارگرفتن در آب هامون هیچ‌گاه محوطه استقرار شکل نیافته است (شکل شماره ۱۰). این حوزه‌ها در شمال غربی و مرکز سیستان واقع شده‌اند و با مساحتی معادل ۳۰۰۹ کیلومتر مربع (۲۷/۲ از کل مساحت سیستان) پهنه آبی سیستان - که همانا دریاچه هامون باشد - را تشکیل می‌دهند و با عبارت «سیستان آبی» قابل توصیف است. تنها تعدادی محوطه در حوزه شماره ۱۶ از این پهنه - که سواحل هامون است - شناسایی شده است که می‌توان نام محوطه‌های ساحلی را هم به آن اطلاق کرد. نبود محوطه‌های استقرار در این پهنه با مطالب جیهانی و اصطخری، که یک سوی دریاچه هامون را فاقد هرگونه آبادی (بیابان) می‌دانستند، انطباق دارد (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۶۳). به هرروی، معلوم نیست به چه دلیلی «چارلز ادوارد بیت» معتقد است که در این حوزه کاخی آجری از «صابر» شاه سیستان قرار داشته که در زیر آب مدفون است (بیت، ۱۳۶۵: ۷۶).

ج) اقلیم زیستی (مسکونی و آباد): نتایج مطالعات باستان‌شناسانه همچنین مشخص ساخته است که حوزه‌های ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۸ (به‌ترتیب به نام‌های: حوزه محمودی، قرقری، دوست‌محمد خان،

زابل ۱، زابل ۲، کهک، زهک، محمدآباد، سنارود، قلعه رستم، جنوب قلعه رستم، گپردی، رودخانه شیله) در تمام ادوار گذشته به تناوب آباد بوده و سکونت در آنها جریان داشته است. این حوزه‌ها در مجموع ۵۵۵۷ کیلومتر مربع وسعت دارند و نزدیک به ۰/۵۰ (نیمی از کل مساحت سیستان) را شامل می‌شوند. بدین ترتیب، نیمه شرقی سیستان را می‌توان به‌عنوان «نیمه آباد» و نیمه غربی آن را «نیمه فاقد سکونت» معرفی نمود.

گاهنگاری محوطه‌های شناسایی شده مؤید آن است که در ادوار مختلف، استقرار در نیمه آباد سیستان دارای وضعیتی متفاوت از هم بوده و به همین دلیل می‌توان آن را به سه بخش ذیل تقسیم نمود:

۱. بخش جنوبی، که در دوران پیش‌ازتاریخ و با استناد به نظریه مکان مرکزی که با اندازه، تعداد، خصوصیات کاربردی و فضایی استقرارها در ارتباط است (Malczewsk; 2009:26) با محوریت شهر سوخته آباد بوده، اما امروزه به دلیل دوری از منابع آبی به صحرایی لم‌یزرع تبدیل شده است و به عنوان «سیستان صحرایی» معرفی می‌شود.

۲. بخش مرکزی، که در دوران تاریخی ابتدا با محوریت «دهانه‌غلامان»، سپس «رام‌شارستان» و بعدها «کوه خواجه» آباد بوده و امروزه مرز بین سیستان آباد و سیستان صحرایی را تشکیل می‌دهد.

۳. بخش شمالی، که در دوران اسلامی ابتدا با محوریت «شهر سیستان» (زاهدان کهنه)، سپس «کندرک» و «حوضدار»، بعدها «سه کوهه» و در یکی دو سده اخیر «قلعه ناصری» (زابل فعلی) آباد بوده و این آبادی کماکان ادامه دارد و می‌توان آن را به عنوان «سیستان آباد» معرفی نمود (شکل شماره ۱۰).



شکل ۱۰: سیستان کوبیری، آبی، صحرایی و آباد در مقاطع مختلف زمانی (نگارندگان)

مقایسه اطلاعات توزیع مکانی و زمانی محوطه‌های استقرار دشت سیستان در سه دوره پیش‌ازتاریخ، تاریخی و اسلامی تشخیص تفاوت‌های سه بخش مذکور در ادوار مختلف را آشکار می‌سازد. براین اساس، تنها حوزه شماره ۱۷ (حوزه گپردی) در جنوب دشت سیستان، در مجموع ۴۸۵ محوطه را در خود جای داده است که نزدیک به یک‌سوم کل محوطه‌های دشت سیستان را شامل می‌شود. اما از این تعداد تنها ۹۷ محوطه (۰/۵) متعلق به دوران اسلامی است. به دیگر سخن می‌توان چنین نتیجه گرفت که در دوران قبل از اسلام، جنوب دشت سیستان بسیار آباد بوده است. به طوری که ۳۸۸ محوطه یا ۰/۲۳ از مجموعه محوطه‌های قبل از اسلام دشت سیستان تنها در یک حوزه به نام گپردی آن هم در جنوب سیستان متمرکز بوده است (جدول شماره ۴). به علاوه، در حوزه‌های ۱۱ و ۱۲، (به ترتیب حوزه‌های «قلعه‌رستم» و «جنوب قلعه رستم») در مجموع ۲۹۸ محوطه (۰/۱۸ کل محوطه‌ها) جای گرفته‌اند که از این تعداد ۶۵ محوطه (۰/۴) به استقرارهای اسلامی و ۲۳۳ محوطه (۰/۱۴)

به قبل از اسلام تعلق دارند. این موضوع آن‌گاه جالب‌تر می‌شود که بدانیم در حوزه جنوب قلعه رستم (حوزه ۱۲ - در همسایگی شرق حوزه گپردی) مجموعاً ۲۸۰ محوطه (۰/۱۷ کل محوطه‌ها) جای گرفته و از این تعداد تنها ۸ استقرار (نزدیک به نیم‌درصد) اسلامی‌اند. در یک جمع‌بندی کلی اگر سه حوزه قلعه‌رستم، جنوب قلعه‌رستم و گپردی (حوزه‌های شماره ۱۱ و ۱۲ و ۱۷) - که چون سه حلقه زنجیر به هم متصل‌اند - را با هم جمع کنیم، در مجموع ۱۰۶۳ محوطه استقراری (۰/۶۴ کل محوطه‌های دشت سیستان) را در خود جای داده‌اند. از این تعداد تنها ۱۷۰ محوطه (۰/۱۰) اسلامی هستند و مابقی آن (۸۹۳ محوطه=۰/۵۴) مربوط به قبل از اسلام است (جدول ۴).

جدول ۴: متراکم‌ترین حوزه‌های جنوب دشت سیستان از حیث تعداد محوطه‌ها به همراه دوره استقراری

ردیف	نام حوزه	تعداد کل محوطه‌ها	درصد	محوطه‌های قبل از اسلام	درصد	محوطه‌های اسلامی	در صد
۱	گپردی	۴۸۵	۰/۲۹	۳۸۸	۰/۲۳	۹۷	۰/۵
۲	قلعه رستم	۲۹۸	۰/۱۸	۲۳۳	۰/۱۴	۶۵	۰/۴
۳	جنوب قلعه رستم	۲۸۰	۰/۱۷	۲۷۲	۰/۱۶	۸	۰/۰۵
	جمع	۱۰۶۳	۰/۶۴	۸۹۳	۰/۵۴	۱۷۰	۰/۱۰

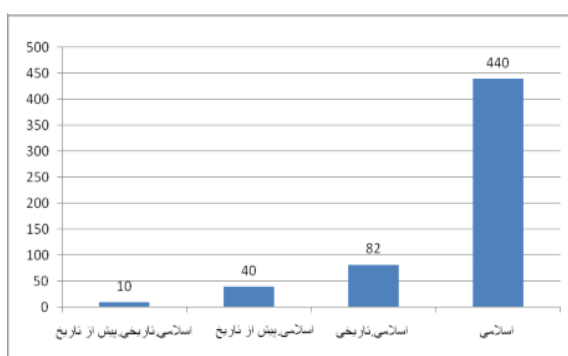
• **سنجش فرضیه اول:** فرض بر آن بود که چیدمان فضایی محوطه‌های استقراری سیستان در دوران اسلامی از حالت طولی با محوریت هیرمند خارج گردیده و در سطحی وسیع با فاصله نسبی از رودخانه هیرمند و شعبات اصلی آن فرم یافته باشد.

اینک، در جمع‌بندی تحلیل شرایط محیطی در انطباق با داده‌های اسنادی باید گفت که اگرچه پیش از گسترش اسلام جنوب دشت سیستان بسیار آباد بوده و تمدن‌هایی نظیر شهر سوخته را به همراه محوطه‌های اقماریش در خود (حوزه قلعه رستم) پرورانده، لیکن در دوران تاریخی به تدریج اهمیت خود را از دست داده است تا بدانجا که امروزه به دلیل شرایط اقلیمی به عنوان «سیستان صحرائی» معرفی می‌شود. اطلاعات به دست آمده از داده‌های سطحی در مرکز سیستان (حوزه‌های ۷، ۸ و ۹ - به ترتیب حوزه کهک، زهک و محمدآباد) مؤید آن است که این بخش از سیستان نیز در دوران تاریخی بسیار آباد بوده است. جالب آنکه هیچ محوطه‌ای مربوط به دوران پیش از تاریخ در حوزه زهک به چشم نمی‌خورد و بیشتر آثار دوران تاریخی حوزه زهک متعلق به دوره پارت - ساسانی است. از آنجایی که بیشترین محوطه شاخص دوران تاریخی سیستان (نظیر دهانه غلامان، تپه شهرستان یا رام شارستان، مجموعه بناهای کوه خواجه چون قلعه کافرون، قلعه کک کهزاد، قلعه سام) نیز در این سه حوزه قرار گرفته‌اند (مهرآفرین، ۱۳۸۴، ۱۲-۱۱)، به احتمال زیاد می‌توان پذیرفت که در دوران تاریخی یکی از شعب هیرمند در این محور جریان داشته است. آثار شناسایی شده از اوایل هزاره اول پیش از میلاد در منطقه نادعلی (کناره شرقی هیرمند علیا) این نظریه را تقویت می‌کند (Ghirshman, 1939: 10-22). به علاوه، ترک ناگهانی دهانه غلامان مؤید خشک شدن یا برفا شدن آب از این منطقه است (Scerrato, 1966: 10).

یافته‌های تحقیق حاضر همچنین مؤید آن است که شمال سیستان نیز در دوره میانی اسلامی از رونق چشمگیری برخوردار بوده است. به عنوان مثال، از ۲۱۴ محوطه استقراری در حوزه زابل ۱ (نزدیک به ۰/۱۴ از کل محوطه‌ها)، ۱۸۶ استقرار (۰/۱۱) به دوران اسلامی تعلق داشتند. در نتیجه، شمال سیستان در دوران اسلامی را می‌توان به عنوان «سیستان آباد» معرفی کرد.

نکته بسیار حائز اهمیت آن است که در بعضی از محوطه‌ها، استقرار به صورت مستمر در پیش از تاریخ یا دوران تاریخی شروع شده و تا دوره اسلامی استمرار یافته است. به عنوان مثال، از تعداد ۵۷۲ محوطه اسلامی

۱۰ محوطه (۱/۷۴) آثار پیش‌ازتاریخ را نیز در خود جای داده‌اند. ۴۰ محوطه (۰/۷) از ۵۷۲ استقرارگاه اسلامی نیز پس از توقف طولانی از دوران پیش‌ازتاریخ، مجدداً مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین، ۸۲ محوطه (۱۴/۳۳) از ۵۷۲ محوطه اسلامی استقرارهایی هستند که زندگی در آنها از دوره تاریخی شروع و به دوره اسلامی منتقل گردیده است. در نهایت، بیشترین محوطه‌های استقرار اسلامی - ۴۴۰ محوطه (۰/۷۷) - آنهایی هستند که زندگی در آنها اختصاصاً از دوره اسلامی آغاز گشته است. (شکل شماره ۱۱). حال، در پاسخ به این پرسش که چگونه این مناطق در ادوار پیش‌ازتاریخ و تاریخی مورد سکونت واقع نشده‌اند، باید پذیرفت که تغییر جریان هیرمند به مناطق شمالی دشت سیستان، به‌ویژه از قرن پنجم هجری به‌بعد، زمینه شکل‌یابی این استقرارگاه‌ها را فراهم آورده است.



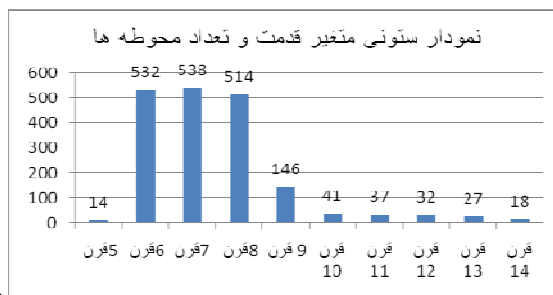
شکل ۱۱: تناوب دوره‌های استقرارهای محوطه‌های اسلامی در دشت سیستان

۲. تحلیل داده‌های میدانی در انطباق با داده‌های اسنادی

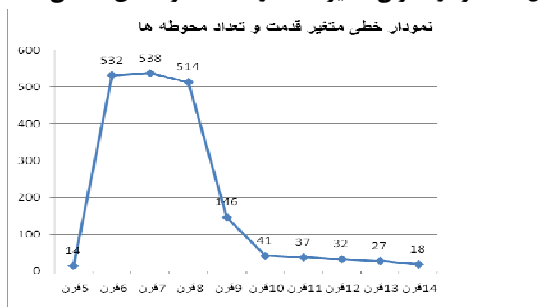
• **سنجش فرضیه دوم:** از دیگر اهداف پژوهش حاضر آن بود که مشخص سازد چه عواملی در تنظیم اقتصاد معیشتی غالب سیستان در دوران اسلامی ایفای نقش می‌نموده و از کدام دوره می‌توان به دوره طلایی منطقه یاد کرد؟ انطباق اطلاعات جمع‌آوری‌شده از مطالعات اسنادی و داده‌های میدانی زمینه پاسخ به این پرسش را نیز فراهم آورده است.

آنچنان که نمودار مرتبط با متغیرهای «قدمت» و «تعداد محوطه‌ها» (شکل ۱۲) روشن می‌سازد، نخستین استقرارهای اسلامی دشت سیستان در شمال آن و در قرن پنج هجری - با ۱۴ محوطه استقرار - شکل یافته و در قرن ۶ و ۷ و ۸ هجری به‌ترتیب با ۵۳۲، ۵۳۸، ۵۱۴ محوطه استقرار به اوج شکوفایی رسیده است. بدین سبب سه قرن مذکور را می‌توان روزگار مجد و عظمت سیستان به‌شمار آورد و عیناً همین دوران است که می‌توان از سیستان به عنوان «انبار غله آسیا» و «سبدنان خراسان» یاد کرد.

به‌هرحال، مستندات تاریخی یادآور می‌شوند که با حمله امیر تیمور و بازماندگان وی «شهر سیستان» (کرسی ایالت سیستان) با شقاوت و بی‌رحمی تمام فتح شده و شکوه و عظمت گذشته خود را از دست می‌دهد. این لطمه تا بدان حد بود که در قرن نهم هجری مرکزیت از «شهر سیستان» به «شهر نویسیستان» - که آن نیز در شمال هامون هیرمند (خارج از مرزهای سیاسی فعلی ایران) بوده - منتقل می‌شود. به نظر می‌رسد که با انتقال دارالحکومه این شهر، سیر نزولی حیات در سیستان شروع شده باشد، زیرا شمار استقرارگاه‌های اسلامی از ۱۴۶ محوطه در قرن ۹ هجری به ۱۸ محوطه در قرن ۱۴ هجری قمری محدود می‌گردد (شکل شماره ۱۳).



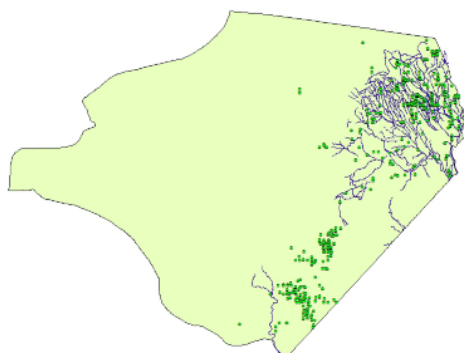
شکل ۱۲: نمودار ستونی متغیر قدمت و تعداد محوطه‌های اسلامی



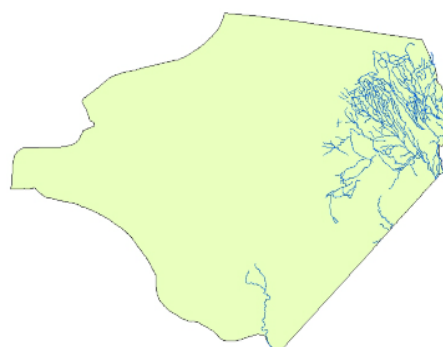
شکل ۱۳: نمودار خطی متغیر قدمت و تعداد محوطه‌های اسلامی

توزیع مکانی محوطه‌های اسلامی سیستان همچنین مؤید آن است که چیدمان استقرارها، به دلیل پیشرفت‌هایی که در صنعت سدسازی و ایجاد کانال‌ها و نهرهای مصنوعی حاصل آمده بود، از حالت طولی ادوار پیش‌تاریخ و تاریخی خارج گردیده و در سطحی وسیع از منطقه و با فاصله بسیار از رودخانه هیرمند و شعبات اصلی آن ایجاد شده است.

انطباق نقشه‌های «توزیع منابع آبی منشعب از رودخانه هیرمند» (شکل ۱۴) و «توزیع مکانی محوطه‌های استقرار اسلامی» (شکل ۱۵) ایجاد این دگرگونی در چیدمان استقرارهای سیستان قرون میانه اسلامی را قابل درک می‌سازد. به طوری که ملاحظه می‌شود، در این دوران به دلیل انشعابات زیادی که در رودخانه اصلی هیرمند به منظور استفاده حداکثری از منابع آبی به عمل آمده، توزیع محوطه‌ها از حالت طولی و در حاشیه رودخانه خارج شده و عموماً در شمال سیستان پراکنده‌اند. لیکن استقرارهای جنوب دشت سیستان به صورت متمرکز (چسبیده به هم) شکل یافته‌اند که چنین وضعیتی بیانگر تمرکز محوطه‌ها به حالت طولی (در حاشیه رودخانه) است. بدین ترتیب، فرضیه دوم پژوهش حاضر نیز به اثبات رسیده است.



(شکل ۱۵)

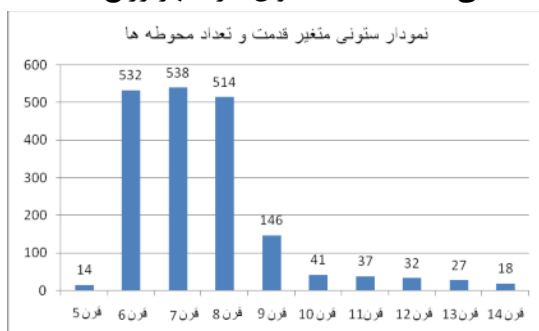


(شکل ۱۴)

شکل ۱۴: توزیع منابع آبی سیستان: رودخانه‌های منشعب از منشعب از هیرمند (نگارندگان)
 شکل ۱۵: توزیع مکانی محوطه‌های اسلامی سیستان در ارتباط با منابع آبی و رودخانه‌های منشعب از هیرمند (نگارندگان)

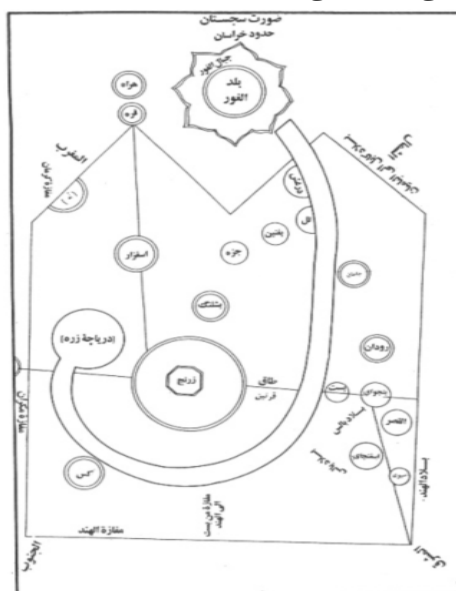
• **سنجش فرضیه سوم:** از دیگر اهداف پژوهش حاضر آن بود تا معلوم دارد کدام‌یک از محوطه‌های باستانی مورد مطالعه در سیستان را می‌توان بقایای شهرهایی دانست که از مراکز سیستان در دوره اسلامی بوده‌اند. در انطباق اطلاعات مندرج در مدارک مکتوب با ویژگی‌های محوطه‌های مطالعه شده به دو دلیل ذیل می‌توان گفت که بقایای شهر زرنگ در سیستان ایران قرار ندارد:

نخست، استقرار در دوره اسلامی در دشت سیستان ایران از قرن پنجم هجری شروع می‌شود. آن‌گونه که در نمودار/شکل شماره ۱۶ دیده می‌شود، تنها از قرن پنجم هجری ۱۴ محوطه اسلامی شناسایی شده و محوطه‌ای که مربوط به قرون اول تا چهارم هجری باشد، ثبت نگردیده است. به دیگر سخن، اساساً در سیستان ایران استقرار از قرون اولیه هجری شناسایی نشده است تا بتوان آنرا شهر زرنج دانست.



شکل ۱۶: نمودار ستونی متغیر قدمت و تعداد محوطه‌های اسلامی دشت سیستان

دلیل دیگر آن که، تمام جغرافیانگاران قرون اولیه اسلامی هنگام توصیف و معرفی شهر زرنگ (کرسی سیستان)، موقعیت و جایگاه این شهر را در سمت راست رود هیرمند می‌دانند و برخی از آنها چون جیهانی، اصطخری، ابن حوقل و احمد طوسی نقشه‌هایی را نیز ضمیمه مطالبشان کرده‌اند (شکل شماره ۱۷).



شکل ۱۷: صورت سیستان (جیهانی ۱۲۶۸)

از آنجایی که در تمامی نقشه‌های مذکور هیچ‌گونه آبادی دیگری اعم از شهر، شهرچه، قصبه، کوره، روستا، دیه و... در سمت چپ رود هیرمند ملاحظه نمی‌شود، می‌توان پذیرفت که «ویرانه‌های نادعلی» (تپه نادعلی)

در آن سوی (شرق) رودخانه و در خاک افغانستان، بقایای شهر زرنگ است. این شهر، آن‌گونه که موسوی حاجی معتقد است: «... از اواخر دوران ساسانی تا قرن چهارم هجری به‌عنوان دارالحکومه سیستان بوده است و از آن زمان تا قرن ۹ هجری و حمله تیمور همچنان به‌عنوان یکی از شهرهای سیستان به حیات خود ادامه داده است» (موسوی حاجی، ۱۳۸۲: ۶۵۰).

به‌علاوه، با اتکاء به شواهد باستان‌شناسانه و منابع تاریخی می‌توان پذیرفت که محوطه‌های شناسایی شده در دهستان میلک (تپه میلک)، واقع در حوزه دوست محمدخان سیستان، بقایای «شهر زالق» است. زالق یکی از معروف‌ترین استقرارهای تابع زرنگ بود که ابن خردادبه، ابن فقیه همدانی و یاقوت حموی آن را به همین نام ضبط کرده‌اند. لیکن ابن حوقل این نام را به‌صورت «الزالقان»، جیهانی و اصطخری آن را به‌شکل «صالقان» و مقدسی آن را «جهلکان»، آورده‌اند. به هر حال، چنان‌که در نقشه جیهانی (عدد ۱۰- صالقان) دیده می‌شود، موقعیت این شهر در شمال شرقی زرنج و در ورای مرزهای جغرافیایی ایران بوده است. بدیهی است اگر این شهر ساسانی نیز در موقعیت سیستان ایران قرار داشت، در بررسی‌های میدانی بقایای آن شناسایی می‌شد؛ حال این‌که از قرون اولیه اسلامی در سیستان ایران هیچ استقرار شناسایی نشده است.

اگرچه تعدادی از محققان «شهر سیستان» را همان زرنج معرفی نموده‌اند، موسوی حاجی ثابت نمود که «زاهدان کهنه» بقایای «شهر سیستان»، دومین دارالحکومه سیستان بزرگ در سده‌های ۵ تا ۹ هجری است که در سال‌های ۷۸۵ و ۸۱۲ هجری با حملات امیر تیمور گورکانی و فرزندش شاهرخ به ویرانی کشیده شده است (موسوی حاجی، ۱۳۸۸: ۳).

با توجه به متون تاریخی، ساخت «شهر نو سیستان» در دهه سوم قرن نهم هجری در شمال سیستان و در محل میران میر عبدالله آغاز شد و در آن برای نخستین بار از معماران و شهرسازان تبریزی استفاده گردید (علایی مقدم، ۱۳۹۰، ۲۴۱). این شهر دارای استحکامات قوی نبوده و سه بنای مهم آن عبارت بود از مدارس، آسباد و مقبره ملاکردان که همه درون محدوده شهر قرار داشتند. تنها محوطه‌ای که با شرایط فوق‌الذکر انطباق دارد خرابه‌های پیشاوران واقع در سالیان امروزی (جنوب ولایت فراه و شمال هامون صابوری یکی از دریاچه‌های سه‌گانه سیستان) است. از آنجایی که مکان این شهر نیز در خارج از مرزهای سیاسی فعلی ایران است، بررسی‌های باستان‌شناسی حاضر نیز نتوانستند راهگشا باشند. امید که در آینده و در پروژه‌های مشترک با همکارانمان در افغانستان این مهم به انجام برسد.

منابع تاریخی همچنین مرکزیت سیستان در دوره صفویه را با شهرهای «کندرک» و «حوضدار» می‌دانند که به احتمال بسیار دو محوطه باستانی که امروزه به همین نام معروفند، مکان این دو شهر می‌باشند. از آغاز صفویه تا قدرت‌گرفتن شاه عباس اول، شرق کشور و به‌ویژه سیستان دستخوش گرفتاری‌هایی همچون حمله میرزایان قندهار، حمله ازبکان و... بود که بی‌ثباتی سیاسی در منطقه را سبب می‌شد و عیناً بدین سبب بود که در مدت دو قرن نزدیک به شش شهر به‌عنوان دارالحکومه سیستان انتخاب گردیدند. احیاءالملوک، استقرارگاه‌های زنگاب، ترقون، راشکک، سه کوهه، قلعه فتح و جلال‌آباد را به‌ترتیب تقدم و تأخر مرکز فرمانروایی سیستان می‌دانند. لیکن در پایان این روزگار دارالحکومه سیستان توسط ملک فتحعلی کیانی (۱۱۳۴-۱۱۰۴ هـ) به «شهر کندرک» منتقل می‌شود (صبوری و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۹۲؛ علایی مقدم، ۱۳۹۰، ۲۴۳-۲۴۲). به‌هر حال، با عنایت به توصیف ذوالفقار کرمانی از ویرانه‌های کندرک - در ۱۵۰ سال پیش - (کرمانی، ۱۳۷۴: ۱۳۴)

می‌توان پذیرفت که این مکان همان جایی است که امروزه ویرانه‌های آن در غرب روستای علی جعفر علیا واقع شده و به همین نام شناخته می‌شود. البته اطلاعات تاریخی همچنین ویرانه‌های حوضدار، با مرکزیت «قلعه مجی» واقع در ۷۰ کیلومتری جنوب غربی زابل را مرکز سیستان عصر صفوی می‌دانند (علایی مقدم، ۱۳۹۰، ۲۴۵-۲۴۴) که این خود می‌تواند مؤید نوعی دوگانگی قدرت در سیستان باشد که در آن حاکم صفوی (جعفر سلطان) با ملوک سیستان (ملک‌شاه حسین) به رقابت برخاسته بودند (سیستانی، ۱۶۰، ۱۳۸۳-۱۳۲۲). با اتکاء به شواهد باستان‌شناسانه نظیر آثار معماری، سکه و سفالینه‌های به‌دست‌آمده، تاریخ احداث قلعه مجی را می‌توان به دوران صفویه رساند که به احتمال قوی تا اوایل حکومت قاجار، مقر و کاخ حکمرانی خاندان ریسی از حاکمان محلی تمدن جنوبی سیستان بوده است.

نتیجه

در پاسخ به این پرسش پژوهش که توزیع مکانی محوطه‌های استقرار در دوران اسلامی دشت سیستان از چه الگویی تبعیت نموده و چه عواملی در مکان‌یابی این فضاها زیستی ایفای نقش نموده‌اند، با اتکاء به نتایج مطالعات حاضر می‌توان گفت که چیدمان فضایی این محوطه‌ها به دلیل پیشرفت صنعت سدسازی و ایجاد کانال‌ها و نهرهای مصنوعی در قرون میانی اسلامی، از حالت طولی با محوریت هیرمند خارج شده و در سطح وسیعی با فاصله نسبی از رودخانه هیرمند و شعبات اصلی آن فرم یافته بود.

همچنین روشن شد که سیستان در قرون ۵ تا ۹ هجری قمری از شکوفایی اقتصادی درخور تحسینی برخوردار بود و این همان زمانی است که منابع تاریخی از سیستان با عنوان «نبار غله آسیا» و «سبدان خراسان» یاد کرده‌اند. در این زمان، ساکنین حاشیه دریاچه هامون در حاشیه این دریاچه به کار صید و صیادی مبادرت می‌ورزیدند و از نیزاهای آن به‌عنوان منبع علوفه دامی بهره‌رشار گرفته و در نهایت اجتماعات انسانی رشد چشمگیر یافته و محوطه‌های استقراری بسیاری در شمال سیستان شکل می‌گیرند.

تحلیل مستندات تاریخی و داده‌های باستان‌شناسانه روشن ساخت که بقایای «شهر زنگ» دوران ساسانی را به احتمال زیاد بایستی در محوطه باستانی موسوم به «تپه نادعلی»، واقع در ولایت نیمروز افغانستان جستجو نمود و محوطه‌های ساسانی شناسایی‌شده در «دهستان میلک» واقع در حوزه دوست محمدخان سیستان بقایای «شهر زالق» است. همچنین بقایای «شهر نویستان» - مرکز سیستان در دوران تیموری - را باید در شمال هیرمند جستجو کرد. به‌علاوه، مرکزیت سیستان در دوره صفویه با شهرهای کندرک و حوضدار بوده و محل واقعی آنها را باید در محوطه‌های باستانی که امروزه به همین نام معروفند، جستجو کرد. (جدول شماره ۵)

توزیع مکانی محوطه‌های استقراری مطالعه شده همچنین توانستند در تعیین خط سیر رودخانه هیرمند از دوران پیش‌ازتاریخ تا زمان حاضر مؤثر واقع شوند. مستند به یافته‌های تحقیق، به‌احتمال بسیار زیاد می‌توان گفت که در دوران پیش‌ازتاریخ بخش جنوبی سیستان آباد بوده و هیرمند به‌عنوان تنها شریان حیاتی این دشت در جنوب آن جریان داشته است. آبادی بخش مرکزی سیستان در دوره تاریخی می‌تواند نتیجه تغییر مسیر هیرمند از جنوب به این جانب باشد. از آنجایی که اکثر محوطه‌های دوران اسلامی در شمال دشت سیستان واقع شده‌اند، می‌توان گفت که با گذشت زمان هیرمند راه خود را به سمت شمال سیستان باز کرده و آنجا را نیز آباد نموده است. بدین ترتیب، رود هیرمند از دوران پیش‌ازتاریخ تا عصر حاضر حدود ۹۰ درجه به

سمت شمال چرخیده و به همراه خود محوطه‌های جدید استقراری را فرم بخشیده است. امری که ممکن است بارها اتفاق افتاده و سقوط و ظهور تمدن‌ها را سبب گشته باشد. بدین ترتیب می‌توان دست‌کم سه دوره جابه‌جایی هیرمند را در این دشت پیشنهاد نمود. اگرچه تعیین تاریخ دقیق این جابجایی‌ها میسر نیست، با عنایت به نتایج گاه‌نگاری محوطه‌های استقراری به احتمال زیاد زمان فعالیت هیرمند در بستر رامرود را - که به توسعه شهر سوخته منجر شده است - می‌توان تا هزاره چهارم قبل از میلاد به عقب برد. با عنایت به شکل‌یابی دهانه غلامان در قرن ششم قبل از میلاد (شراتو، ۱۳۷۵: ۱۴۳)، می‌توان پذیرفت که هیرمند در این دوران مسیر رامرد را رها کرده و در «مسیر سنارود» جریان یافته بود. در نهایت، با عنایت به ظهور شهر زرنج در اواخر حاکمیت ساسانیان و رشد آن در قرون اولیه اسلامی، می‌توان پذیرفت که هیرمند مسیر فعلی خود را در سده‌های آغازین میلادی گشوده است. اگرچه تعدادی معتقدند که هیرمند در قرون میانی اسلامی در مسیر بیابانی خویش جریان داشته است (تیت، ۱۳۷۸: ۸۶۱)، شواهد متقن باستان‌شناسانه در اثبات این نظریه یافت نشده است (توانا - بریمانی، ۱۳۷۹: ۱۹۵). با توجه به اینکه در نقشه‌ای که اندکی بیش از یک سده پیش از سیستان برداشت شده است نیز هیرمند در بستری متفاوت از مسیر امروزی در حرکت است (مک‌ماهون، ۱۳۷۸، ۳۶۳)، می‌توان تعداد تغییرات در مسیر هیرمند را به چهاربار رساند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۰). سایکس نیز آورده است که رودخانه در سال ۱۸۹۶ میلادی تغییر مسیر داشته که در نتیجه آن استقرارگاه‌های خاندان کیانیان یعنی «جهان‌آباد»، «ابراهیم‌آباد» و «جلال‌آباد» ویران شده‌اند (سایکس، ۱۳۷۸: ۴۵۸). آنچه بیش از همه اهمیت می‌یابد، نقش استثنایی منابع آب (هیرمند) در شکل‌یابی، بالندگی و افول تمدن‌های سیستان است که در بطن خود دگرگونی‌های فرهنگی را به همراه دارد.

جدول ۵: مراکز حکومتی سیستان در دوره اسلامی

ردیف	نام شهر به‌عنوان پایتخت	محدوده زمانی	محل و مکان امروزی شهر
۱	زرنج	اواخر ساسانی و قرون اولیه اسلامی	نادعلی در سیستان افغانی
۲	شهر سیستان	قرن شش تا قرن نه (حمله تیمور)	زاهدان کهنه در سیستان ایرانی
۳	شهر نو سیستان	اواخر قرن نه و اوایل قرن ده	پیشاوران در سیستان افغانی
۴	جلال‌آباد	اواخر قرن ده و قرن یازده	ویرانه‌های میرجمال و حاجی سید در سیستان ایرانی
۵	کندرک	اواخر صفویه	کندرک کهنه در سیستان ایرانی
۶	سه کوهه	اواسط قاجار	قلعه سه کوهه در سیستان ایرانی
۷	شهر ناصری	اواخر قاجار	زابل فعلی

پی‌نوشت

۱. این محوطه‌ها در بررسی‌های سطحی اعضای هیئت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان (آقایان دکتر موسوی حاجی و دکتر مهر آفرین) در حدفاصل سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ خورشیدی شناسایی شده است.
۲. مراد از نظریه میان‌مدت، منطقی است که داده‌های مادی را به تفسیرهای باستان‌شناختی پیوند دهد (دارک، ۱۳۷۹: ۵۰).

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۰)، «سیستان و موقعیت ژئوپولیتیک آن در توسعه منطقه‌ای»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال شانزدهم، شماره پیاپی ۱۷۴-۱۷۳، بهمن و اسفند، تهران.
- ابن حوقل (۱۳۴۵)، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول.
- ابن خردادبه (۱۳۷۰)، *المسالک والممالک*، ترجمه دکتر حسین قره چانلو، تهران، بی‌نا.
- ابن فقیه همدانی (۱۳۴۹)، *ترجمه مختصر البلدان (بخش مربوط به ایران)*، ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول.

- ابوالفدا (۱۳۴۹)، *تقویم البلدان*، ترجمه: عبدالحمید آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول.
- احمدطوسی، محمد بن محمود (۱۳۸۷)، *عجایب المخلوقات*، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: شرکت تیت، جی. پی (۱۳۷۸)، *سرحداث بلوچستان*، در: *جغرافیای تاریخی سیستان (سفر با سفرنامه‌ها)*، ترجمه و تدوین از حسن احمدی؛ چاپ اول؛ تهران.
- جیهانی، ابوالقاسم (۱۳۶۸)، *اشکال العالم؛ ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب*، با مقدمه و تعلیقات از فیروز منصوری، چاپ اول، تهران: انتشارات به نشر.
- دارک، کن، آر (۱۳۷۹)، *میانی نظری باستان‌شناسی*، ترجمه کامیار عبدی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۶۳)، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، تهران.
- سایکس، س، پ (۱۳۳۶)، *ده هزار مایل در ایران*، ترجمه حسین سعادت نوری، جلد ۲.
- سایکس، س، پ (۱۳۷۸)، *خاطرات سفر چهارم به ایران*، در: *جغرافیای تاریخی سیستان (سفر با سفرنامه‌ها)*؛ ترجمه و تدوین از حسن احمدی، چاپ اول، تهران.
- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۷۴)، *باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان*، چاپ اول، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- سیدسجادی، سیدمنصور (پاییز و زمستان ۱۳۷۶)، «منابع آبی و محوطه‌های باستانی سیستان در متون اسلامی»، *مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، سال سوم، شماره ۵.
- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۷۹)، «محیط طبیعی و آثار باستانی دشت سیستان»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال پانزدهم، شماره ۱ و ۲، شماره پیاپی ۵۶ و ۵۷.
- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۸۲)، *راهنمای مختصر آثار باستانی سیستان*، چاپ اول، زاهدان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان.
- شراتو، اومبرتو (۱۳۴۲)؛ *گزارش هیئت باستان‌شناسان ایتالیایی در سیستان*، ترجمه هومن خواجه نوری، *مجله سخن*، دوره ۱۴، شماره ۶.
- شراتو، اومبرتو (۱۳۷۵)، *شوهدی از زندگی مذهبی دهانه غلامان*، ترجمه عقیل عابدی، *مجله اثر*، شماره ۲۶-۲۷، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- شیرازی، روح‌الله (۱۳۷۵)؛ «بررسی تأثیر تمدن‌های پیش از تاریخ سیستان و بلوچستان و تمدن‌های همجوار»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- شیرازی، روح‌الله و توسلی، مهدی (۱۳۸۹)؛ *گزارش حفاری و لایه‌نگاری تپه صادق سیستان*، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، زاهدان، منتشر نشده.
- صبوری و دیگران (۱۳۸۶)، *شجره‌الملوک (تاریخ منظوم سیستان)*، تحقیق، تصحیح و توضیحات: منصور صفت‌گل، تهران: مرکز پژوهش میراث مکتوب.
- علایی مقدم، جواد (۱۳۹۰)؛ «بررسی شهرهای دوران تاریخی و اسلامی سیستان با استناد به منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناختی»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- کاوش، حسینعلی (۱۳۸۲)؛ *کوه و دریاچه سیستان در آیین ادیان*، ناشر: دانشگاه زابل، چاپ اول.
- کاوش، حسینعلی (۱۳۸۸)؛ *گزارش حفاری فصل پنجم تپه طالب خان سیستان*، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.
- کاوش، حسینعلی (الف) (۱۳۹۰)؛ *گزارش حفاری و لایه‌نگاری تپه یلدا (طالب خان ۲) سیستان*، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.
- کاوش، حسینعلی (ب) (۱۳۹۰)؛ *گزارش حفاری و لایه‌نگاری تپه گرانزیانی سیستان*، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.
- کرمانی، ذوالفقار (۱۳۷۴)؛ *جغرافیای نیمروز*، به کوشش عزیزالله عطاردی، تهران: انتشارات عطارد.
- محمدخانی، کورش (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸)، *گزارش بررسی باستان‌شناسی محوطه دهانه غلامان سیستان*، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.

- محمدخانی، کورش (مرداد و شهریور ۱۳۸۸)، گزارش بررسی باستان‌شناسی و تشکیل بانک اطلاعات محوطه‌های کوه خواجه سیستان، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.
- مرتضوی، مهدی (۱۳۸۸)؛ گزارش حفاری و لایه‌نگاری تپه دشت سیستان، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، زاهدان، منتشر نشده.
- موسوی، سید محمود (۱۳۷۴)؛ یادمان خشتی کوه خواجه زابل، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد چهارم، چاپ اول، ارگ بم کرمان.
- موسوی‌حاجی، سیدرسول و سوسن بیانی (۱۳۸۱)؛ «کشف یک حقیقت مهم تاریخی: تغییر دارالحکومه از زرنگ به شهر سیستان»؛ مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران؛ دوره ۵۲، شماره ۱۶۴.
- موسوی‌حاجی، سیدرسول (۱۳۸۲) «پژوهشی در باستان‌شناسی زرنگ دوره اسلامی (بررسی میدانی در محوطه اسلامی زاهدان کهنه واقع در شرق سیستان)»، پایان‌نامه دکتری باستان‌شناسی در گرایش دوران اسلامی؛ تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- موسوی‌حاجی، سیدرسول و رضا مهرآفرین (۱۳۸۶)، بررسی روشمند باستان‌شناسی سیستان، فاز اول، پانزده جلد (جلد یک الی پانزده)، دانشگاه سیستان و بلوچستان با همکاری سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، منتشر نشده.
- موسوی‌حاجی، سیدرسول و دیگران (۱۳۸۶)؛ گزارش عملیات تعیین حریم شهر تاریخی زاهدان کهنه، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، زاهدان، منتشر نشده.
- موسوی‌حاجی، سیدرسول (۱۳۸۸)؛ زاهدان کهنه شهری خفته در سیستان، مشهد: انتشارات پاژ، چاپ اول.
- موسوی‌حاجی، سیدرسول و رضا مهرآفرین (۱۳۸۸)؛ جستاری در جغرافیای تاریخی سیستان (از آغاز تا سده نهم ه. ق)؛ چاپ اول؛ زاهدان: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان.
- موسوی‌حاجی، سیدرسول و مرتضی عطایی (۱۳۸۹)؛ مطالعه مجموعه‌ای از نمونه‌های سفالین سیستان، چاپ اول؛ زاهدان، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان.
- مولفان (۱۳۸۰)، سیستان بهشت باستان‌شناسان، ناشر: دانشگاه زابل.
- مهرآفرین، رضا (۱۳۸۳)؛ «بررسی و تحلیل باستان‌شناسی حوزه زهک سیستان»، پایان‌نامه دوره دکتری باستان‌شناسی (گرایش دوران تاریخی)، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- مهرآفرین، رضا (بهار ۱۳۸۴)؛ «تأثیر هیدرولوژی و محیط جغرافیایی بر استقرارهای باستانی حوزه زهک سیستان»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۹، شماره ۱.
- مهرآفرین، رضا (۱۳۸۶)؛ حفاری و گمانه‌زنی در تپه گوری کهنه سیستان، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- مهرآفرین، رضا و سیدرسول موسوی‌حاجی (۱۳۸۸)، بررسی روشمند باستان‌شناسی سیستان، فاز دوم، پانزده جلد (جلد شانزده الی سی)، دانشگاه سیستان و بلوچستان با همکاری سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، منتشر نشده.
- میری، حجت (۱۳۸۶)؛ حفاری و گمانه‌زنی تپه طالب خان سیستان (فصل چهارم)، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی کشور، منتشر نشده.
- هرتسفلد، ارنست (۱۳۵۴)، تاریخ ایران بر بنیاد باستان‌شناسی، ترجمه علی‌اصغر حکمت، چاپ اول، تهران: انجمن آثار ملی ایران.
- Scerrato, Umberto, 1977, Evidence of religious life at Dahan-e Ghulaman, Sistan, in: M. Taddei (ed.), *South Asian Archaeology*, Naples pp. 1-15.
- Stein, Sir Aurel 1981, Inermost Asia detailed report of exploration In Central Asia, Kan Su and Eastern Iran, Vol. II, New Delhi.
- Tosi, M. 1969, *Excavation at Shahr-i Sokhta, preliminary report on the second campagin, Sep- Dec 1968*, East and West, Vol. 19, PP. 20- 31.
- Tucci, G., 1966, *Reviw of G. Gullini's book*, East and West, XVI, 143-148.